

تراکم آسیب‌های اجتماعی و عوامل عقب‌ماندگی بیست‌ساله

فرزاد پورسعید *

اشاره:

در روز دوشنبه ۱۷ خرداد، جلسه علنی مجلس شورای اسلامی شاهد ارائه گزارش وزیر کشور در خصوص وضعیت بحرانی آسیب‌های اجتماعی بود. رحمانی فضلی در گزارش خود عنوان کرد که مقام معظم رهبری در واکنش به این وضعیت اعلام نموده‌اند که ما در رسیدگی به این وضعیت دچار عقب‌ماندگی هستیم و بیست سال در این حوزه عقب مانده‌ایم. بر این اساس، نوشتار حاضر، ضمن مرور گزارش وزیر کشور به تبیین عوامل و زمینه‌های این عقب‌ماندگی می‌پردازد، چراکه آن را مسیر درست فهم راه‌کارهای مقابله با این آسیب‌ها می‌داند.

مقدمه

سالانه ۶۰۰ هزار ورودی زندان‌ها، ختم‌شدن حداقل یک چهارم ازدواج‌ها به طلاق، افزایش نابرابری‌ها، رشد چشم‌گیر خودکشی، پائین آمدن سن تن‌فروشی و بزه‌کاری، افزایش تعداد کودکان کار و مانند آن‌ها را نیز مد نظر قرار داد. به این فهرست باید افزایش ترک تحصیل، زناشودن آسیب‌های اجتماعی، افزایش بیماری‌های جسمانی و روانی و مشکلات فزاینده محیط زیستی را افزود. این مشکلات تا آن حد تشدید و وخیم شده که بنا بر گفته وزیر کشور، مقام معظم رهبری در جلسات مختلف استماع گزارش آسیب‌های اجتماعی یادآور شدند که «نسبت به مسائل آسیب‌های اجتماعی ۲۰ سال عقب هستیم، در واقع این موضوع در ۲۰ سال پیش باید بررسی و پیگیری می‌شد». وزیر کشور همچنین، در جلسه علنی مجلس، ضمن بیان اینکه رهبری بر مسئولیت همه قوا در قبال آسیب‌های اجتماعی تأکید داشتند، تصریح کرد: «ایشان فرمودند که هیچ‌کسی نمی‌تواند از مسئولیت خود را مبرا بداند، آسیب‌دیدگان اجتماعی عاقله مسئولان نظام هستند، نباید به آنها به عنوان مجرم و بیمار نگریسته و با آنها برخورد شود».

همچنین، مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای در روز ۱۶ خرداد در دیدار رئیس و نمایندگان دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، در بیانات خود با لحنی بی‌سابقه فرمودند: «خجالت و شرمندگی نظام از بیکاری جوان، از خجالت خود آن جوان در داخل خانه بیشتر است؛ این را شما بدانید. بنده خودم

عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر محترم کشور، در روز ۱۷ خرداد، طی سخنانی در صحن علنی مجلس، گزارشی از آسیب‌های اجتماعی در کشور ارائه کرد و در پی آن، حساسیت بالای مقام معظم رهبری در این خصوص را اعلام و تصمیمات اتخاذشده در رأس نظام برای مقابله با این وضعیت را تشریح نمود. آنچه از گزارش وزیر کشور برمی‌آید این است که آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در ایران در حال تراکم، تشدید و وخیم‌تر شدن هستند. در این خصوص و جدای از مواردی که وزیر کشور در صحن علنی مجلس بدان اشاره کرد، می‌توان افزایش معنادار کارتن‌خواب‌ها در طی ده سال گذشته، رشد بی‌رویه اعتیاد به الکل، رشد تعداد افراد و خانوارهای سقوط کرده به زیر خط فقر مطلق، بیکاری چندصد هزار فارغ‌التحصیل دانشگاهی، بیکاری بیش از ۶۰ درصدی در برخی مناطق کشور، افزایش جرائم و پرونده‌های قضایی تا حد

وقتی که به فکر این جوان بیکار می‌افتم [شرمنده می‌شوم]. در بعضی از شهرستان‌ها بیکاری بالاست. البته ما نرخ یا به اصطلاح درصد بیکاری را یک مقداری معین می‌کنیم؛ حالا دوازده درصد یا ده درصد - همین که حالا گفته می‌شود - لکن این میانگین است. وقتی انسان این را می‌بیند شرمنده می‌شود؛ یعنی شرمندگی بنده حقیر از ملاحظه این آمار و مطالعه این حقیقت، از شرمندگی آن جوانی که بیکار می‌رود خانه و دستش چیزی نیست، کمتر نیست، بلکه بیشتر است؛ این را باید برطرف بکنیم». بر این اساس، نوشتار حاضر، ضمن مرور گزارش وزیر کشور، به بررسی و تبیین عوامل عقب‌ماندگی بیست‌ساله کشور در این حوزه می‌پردازد.

کرد». وزیر کشور در ادامه افزود: «مسائل اجتماعی، بازتاب و برون‌داد تمام رفتارهایی است که در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی بروز پیدا می‌کند و نهایتاً می‌تواند موجب قوام، انسجام، اعتماد، امید و رضایت‌مندی باشد یا به عکس می‌تواند موجب تخریب سرمایه‌های اجتماعی و نهایتاً مشکلاتی گردد که در بعضی از مواقع تبدیل به موضوعات امنیتی شود». وی با بیان اینکه تغییرات اجتماعی به عنوان موضوعی است که باید آن را دائم رصد و تعقیب و تحقیق کرد، گفت: «تغییرات اجتماعی با توجه به رشد تکنولوژی، سطح سواد و آگاهی، انفجار اطلاعات، مصرف انبوه و افزایش سطح ارتباطات دائم در حال تغییر است که این تغییرات قطعی و حتمی است».

رحمانی فضلی سخنان مقام معظم رهبری در سفر به سمنان در حوزه تغییرات اجتماعی را یادآور شد و گفت: «رهبری در صحبت‌هایشان بر لزوم مهندسی و هدایت تغییرات اجتماعی تأکید کردند و فرمودند اگر تغییرات اجتماعی مدیریت نشود قطعاً در مقابل آن منفعل خواهیم شد و آسیب‌های منفی آن را باید بپذیریم».

وی موضوع مهم دیگری که تأثیر تغییرات اجتماعی در آن مشهود است را سبک زندگی دانست و گفت: «مقام معظم رهبری در چندین جلسه و در سفر به خراسان، به طور مفصل در خصوص سبک زندگی صحبت کردند که چگونه تغییرات اجتماعی منجر به تغییر سبک زندگی می‌شود و سبک زندگی تمام احوالات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد». به

«هیچ کسی نمی‌تواند از مسئولیت خود را مبرا بداند، آسیب‌دیدگان اجتماعی عائله مسئولان نظام هستند، نباید به آنها به عنوان مجرم و بیمار تگریسته و با آنها برخورد شود».

تراکم آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی

وزیر کشور در نشست علنی روز دوشنبه ۱۷ خرداد مجلس شورای اسلامی در گزارشی در خصوص آسیب‌های اجتماعی گفت: «آسیب‌های اجتماعی موضوع بااهمیتی است که رهبر معظم انقلاب نیز در ۶ ماه گذشته، سه بار در این خصوص جلسه گذاشتند و هر بار حدود ۳ ساعت موضوع را با تمام ابعاد و جوانب آن و با حضور سران قوا و تمامی مسئولان حوزه اجتماعی مورد بررسی قرار دادند و نهایتاً دستوراتی فرمودند که در ادامه گزارش بدان اشاره خواهم

گفته وی، «آنچه امروزه در حوزه مسائل اجتماعی حائز اهمیت است، عناوینی مانند اعتماد اجتماعی و اعتماد عمومی و همچنین سرمایه اجتماعی و رضایت‌مندی و امید به آینده و همچنین انسجام اجتماعی است که این موارد می‌تواند در قوام و استمرار حرکت سالم اجتماعی مؤثر باشد و ما را در سامان‌دهی اهدافمان در هر یک از حوزه‌ها کمک کند. در غیر این صورت با عدم اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی در امور خود مواجه می‌شویم که می‌تواند سطح اثرگذاری گسترده‌ای برای برنامه‌هایمان داشته باشد». وزیر کشور در ادامه به پنج معضل حاشیه‌نشینی، بیکاری، اعتیاد، طلاق و وضعیت زندانیان در کشور اشاره کرد و آمارهایی ارائه داد. این عضو کابینه دولت یازدهم با بیان اینکه عدم توازن در حوزه حاشیه‌نشینی موضوع مهم دیگری در حوزه اجتماعی است، گفت: «امروز حدود ۱۱ میلیون نفر حاشیه‌نشین در کشور وجود دارد که معادل با ۳ میلیون نفر حاشیه‌نشین در شهرهای تهران، مشهد و اهواز متمرکز هستند. در کشور نیز حدود ۲۷۰۰ محل حاشیه‌نشینی داریم که با توجه به ویژگی‌های آن نیاز است که خدمات بیشتری به آنها ارائه شود. همچنین، مطابق آمار موجود، در چابهار ۶۰ درصد، اهواز ۳۵ درصد و تبریز ۳۳ درصد حاشیه‌نشین داریم و ۶۰ درصد از حاشیه‌نشین‌های تهران را روستائیان تشکیل می‌دهند. در واقع، مهاجرت از روستا به حومه شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ، از جمله مهم‌ترین دلایل حاشیه‌نشینی در کشور است. که البته این مهاجرت خود ناشی از دیگر آسیب‌های اجتماعی است. تا پایان سال ۱۳۹۳، بیش از

۳۴ هزار روستا در کشور تخلیه شده که بخش زیادی از آنها ناشی از نبود آب بوده است. مسئله اقتصادی، تبعیض در ارائه خدمات به روستائیان و عدم حمایت‌ها توسط مقامات محلی و منطقه‌ای از روستائیان، سه دلیل اصلی مهاجرت روستائیان به شمار می‌رود. از سوی دیگر نبودن کار و امکان تحصیل برای فرزندان روستائیان نیز از دیگر علل مهاجرت است».

وزیر کشور، همچنین به معضل بیکاری در کشور اشاره کرد و گفت: «امروز ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بیکار در کشور داریم که توزیع آن در کشور نرمان نیست، به گونه‌ای که امروزه مناطقی وجود دارند که بیش از ۶۰ درصد بیکاری در آن متمرکز است». وزیر کشور با تأکید بر اینکه یکی دیگر از مشکلات امروز جامعه، اعتیاد و استفاده از مواد مخدر است، گفت: «طبق آمارهای رسمی و برآوردهای مبتنی بر شاخص‌های سازمان ملل، در حال حاضر یک و نیم میلیون نفر معتاد در کشور زندگی می‌کنند که اعتیاد آنها از مواد سنتی به سمت مواد صنعتی و پرخطر رفته است». وی افزود: «متأسفانه آثار و تبعات استفاده از این گونه مواد در جامعه بسیار بوده و در حال حاضر ۶۰ درصد از تعداد زندانی‌های موجود در کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم با اعتیاد و مواد مخدر در ارتباط هستند؛ همچنین عامل ۵۰ درصد از طلاق‌ها اعتیاد می‌باشد». وی ادامه داد: «متأسفانه به رغم تلاش‌های بسیار در حوزه مواد مخدر و روند کشفیات و دو برابر شدن این موضوع، اما به دلایل سودآور بودن و قدرت ریسک بالای آن، استفاده از مواد مخدر در کل دنیا در حال افزایش است؛ البته در سال ۹۴، ۵۶۰ تن مواد مخدر در کشور کشف شد و در حوزه پیشگیری و درمان نیز در سال ۹۴ به میزان ۱۰ درصد موفقیت حاصل شده است». وی تصریح کرد: «موضوع پراهمیت دیگر در حوزه آسیب‌های اجتماعی طلاق می‌باشد. بنابراین در حال حاضر حدود ۲٫۵ میلیون نفر زن سرپرست خانوار در کشور زندگی می‌کنند». رحمانی فضلی با اشاره به اینکه در سال‌های ۹۳ و ۹۴ با کاهش طلاق مواجه بودیم، گفت: «اما متأسفانه ۳۶ درصد از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود که این تعداد در شهرهای بزرگ گاه‌افزایش نیز پیدا می‌کند». در روز چهارشنبه ۱۹ خردادماه نیز رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک جمهوری اسلامی اعلام کرد: «دوام زندگی مشترک زن و شوهرها، در ایران به کمتر از سه سال رسیده و ۶ درصد جدائی‌ها در همان سال اول اتفاق می‌افتد. سال گذشته ۶۷۳ هزار ازدواج ثبت شد که ۶ درصد کمتر از سال پیش



بود. ۱۶۴ هزار و ۹۱۲ طلاق هم داشتیم که رشد یک درصدی طلاق در ایران را نشان می‌دهد. بیشترین طلاق‌ها مربوط به رده سنی ۳۰ تا ۳۴ سال در مردان و ۲۳ درصد طلاق‌ها در زنان نیز مربوط به سنین ۲۵ تا ۲۹ سال است».

وزیر کشور در ادامه گزارش خود، با اشاره به اینکه موضوع پراهمیت دیگر مسئله زندان‌ها می‌باشد، گفت: «متأسفانه سالی ۶۰۰ هزار نفر عازم زندان‌ها می‌شوند که از این تعداد ۲۰۰ هزار نفر در زندان‌ها باقی می‌مانند که به طور حتم آثار اجتماعی غیرقابل قبول و مخربی در جامعه خواهد داشت. بنابراین، آنچه مهم است، رسیدگی به این معضلات از دو بعد انسانی و الهی و همچنین امنیتی و سیاسی است. وی گفت: «از بعد انسانی و الهی، از آن جهت که ما به عنوان متولیان حکومت وظیفه داریم به حقوق این مردم رسیدگی کنیم و در مقابل این گونه مسائل مسئول هستیم، اما از بعد امنیتی و سیاسی باید به موضوع افزایش اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی توجه کرد، چرا که اگر ما با انبوهی از جمعیت مواجه شویم که امید نداشته باشند، مشکلات و معضلات اجتماعی در جامعه افزایش پیدا خواهد کرد».

عوامل عقب‌ماندگی بیست‌ساله

مقابله با وضعیت تراکم و تشدید در حوزه آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی، بیش و پیش از هر چیز نیازمند شناخت عواملی است که موجب شده‌اند به بیان مقام معظم رهبری، کشور بیست سال در این حوزه دچار عقب‌افتادگی شود و از آن غفلت کند. شناخت این عوامل و جبران آن‌ها می‌تواند کوتاه‌ترین مسیر در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی باشد، همچنان که تداوم غفلت از این عوامل، سبب تشدید وضعیت کنونی شده و فرجامی جز فروپاشی اجتماعی در کشور نخواهد داشت. این عوامل را می‌توان در پنج عنوان «ضعف نهادهای مدنی»، «ضعف رویکرد علمی و تخصصی»، «تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بدون پیوست اجتماعی»، «ضعف ساختاری در نظام سیاست‌گذاری» و «توسعه نامتوازن منطقه‌ای» خلاصه کرد.

ضعف نهادهای مدنی

تنها مسیر مطمئن و مؤثر برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، درگیر شدن جامعه و نهادهای اجتماعی با این آسیب‌ها و معضلات

است. حکومت‌ها نه توان آن را دارند که به تنهایی با این معضلات مقابله کنند و -حتی اگر به طور مقطعی ظرفیتش را داشته باشد- نه می‌توانند به نحو پایدار به این کار ادامه دهند. در عین حال، دولت و حکومت در ایران، هیچ‌گاه دغدغه تقویت و توان‌مندسازی جامعه و نهادهای مدنی را نداشته‌اند. از این رو، به طور غیرمستقیم فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی در مقابله با آسیب‌های اجتماعی تضعیف شده است و این یکی از مهم‌ترین عوامل غفلت و عقب‌ماندگی در این حوزه به شمار می‌آید. مهم‌ترین دلیل این غفلت نیز غلبه دولت‌مداری و تمرکزگرایی بر ذهنیت دولت‌مردان کشور، در چند دهه اخیر است. در غیبت نهادهای مدنی قدرتمند و سمن‌های غیردولتی، اکثر شهروندان با نوعی نگاه دولت‌مدارانه انتظار دارند حکومت در هر مشکلی به عنوان منجی وارد شود، اما نتیجه ورود این منجی، عمدتاً قدرتمندتر شدن و فربه‌تر شدن نهادهای دولتی (با رانت، درآمدها و امکانات افسانه‌ای و فساد) و تمرکز قدرت، ثروت و منزلت در میان بوروکرات‌های دولتی است نه لزوماً قدرتمندی و توانمندی جامعه. برای مثال، می‌توان گفت رفاه و تأمین اجتماعی در کشور ما دربرگیرنده برنامه‌ها و سازمان‌های متعددی است که هر کدام در یک یا چند حوزه از این قلمرو فعالیت می‌کنند. بیمه و بازنشستگی (تأمین اجتماعی، بازنشستگی کشوری و...)، یارانه مستقیم، مسکن مهر، سهام عدالت، خدمات کمیته امداد و سازمان بهزیستی، بیمه سلامت و سبد کالا تنها تعدادی از



ضعف رویکرد علمی و تخصصی

یکی از عوامل غفلت و عقب ماندگی در زمینه مبارزه با آسیب‌های اجتماعی در کشور، ضعف در شناخت و تبیین علمی این وضعیت و رویکرد تخصصی در مواجهه با آن است. یکی از علل بروز این ضعف آن است که ما در رویارویی با آسیب‌های اجتماعی حتی در سطح توصیف و اطلاعات آماری، فاقد مرکز رسمی و تخصصی اطلاعات و آمار در این حوزه هستیم و ایران از فقدان انباشتگی مطالعات در زمینه آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برد. به بیان دیگر، به رغم اینکه جامعه ایران با بیشترین آسیب‌های اجتماعی (خصوصاً در زمینه اعتیاد) روبه‌روست، ولی پس از گذشت سه دهه، هنوز نه در سطح دولت و نه در سطح نهادهای مدنی و دانشگاهی، مرکزی وجود ندارد که در مورد آسیب‌ها و معضلات اجتماعی حتی در سطح توصیفی و آماری اطلاعات را ثبت کند. این در حالی است که مرکز اطلاعات و آمار به عنوان یک توصیف دقیق، می‌تواند داده‌های پایه را برای تجزیه و تحلیل، علت‌یابی، مقایسه و برنامه‌ریزی در اختیار محققان قرار داده، روند و تغییرات این آسیب‌ها را مورد مطالعه قرار دهد. در شرایط کنونی، آنچه وجود دارد مراکز آماری پراکنده و تأیید نشده است. در شرایط فقدان مرکز رسمی، مورد اعتماد و معتبر شرایطی به وجود آمده است که به عنوان مثال یک مسئول خبر از پنج میلیون معتاد و مسئولی دیگر خبر از یک میلیون و ۲۰۰ هزار معتاد می‌دهد، یک محقق معتقد است پنج میلیون حاشیه‌نشین داریم و محقق دیگری به بیست و پنج میلیون حاشیه‌نشین اشاره می‌کند. این در شرایطی است که اولین شرط کاهش آسیب‌های اجتماعی، شناخت توصیفی و تبیینی انواع و روند آنها در گستره جغرافیایی و جمعیتی ایران است. بعد دیگر این عامل را می‌توان بی‌توجهی یا کم‌توجهی به تخصص‌گرایی یا رویکرد تخصصی در مواجهه با این آسیب‌ها دانست. در غیاب این ویژگی، غالباً مبارزه با آسیب‌های اجتماعی به نتایجی پارادوکسیکال می‌انجامد و موجب تشدید ناخواسته آنها می‌شود. این وضعیتی است که جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر درگیر آن بوده است. بر این اساس، می‌توان گفت ضرورت انتصاب افراد بر اساس سیستم شایستگی بدون رابطه، باور به اینکه همه متخصصین واقعی با آگاهی از علوم روز و مطالعات علمی متعهدترین‌ها هستند، اجرای سیستم پاسخ‌گویی و اصل مسلم تشویق و توبیخ

این سازمان‌ها و سازوکارها هستند، در حالی که تمامی آنها نیز توانستند مانع از وضعیت تراکم و تشدید آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایرانی شوند. دلیل این امر آن است که در شرایطی که مردم در مسیر سمن‌های غیردولتی و نهادهای مدنی به مشارکت فراخوانده نمی‌شوند، عمدتاً بر مشکلات فردی خود تمرکز پیدا می‌کنند و در نتیجه، اعتماد و سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد، پیوندهای اجتماعی سست‌تر و بنیان‌های اجتماعی شکننده‌تر می‌شوند. رشد بی‌سابقه چک‌های برگشتی، نزاع‌های خیابانی، جرائم، زندانیان و پرونده‌های قضایی به خوبی از این شکنندگی حکایت دارند. به همین دلیل است که امروزه حتی در کشورهای دموکراتیک نیز بار اصلی مقابله با آسیب‌های اجتماعی بر دوش نهادهای مدنی است. در واقع، در گذشته در بحث رویارویی با آسیب‌های اجتماعی وظیفه دولت سنگین بود (و هست)، ولی امروز بر اهمیت مدیریت همه‌جانبه‌تر تأکید می‌شود. در این نگاه جدید به جای تأکید بر فعالیت دولت، بر فعالیت مشترک دولت، نهادهای مدنی و قربانیان آسیب‌های اجتماعی برای مهار و کاهش آسیب‌ها تمرکز شده است. (بهترین نمونه و موفق‌ترین این مدیریت همه‌جانبه در کشورهای اسکاندیناوی و خصوصاً سوئیس اتفاق افتاده است). بنابراین در شرایط موجود جامعه ایران وظیفه نهادهای مدنی موجود برای شناسایی و رویارویی با آسیب‌های اجتماعی سنگین‌تر است و آنها مجبورند مقداری از بار دولت را نیز به دوش بکشند.



مدیران کلیدی، نظارت و ارزیابی مستمر بر بازده گروه‌های اجرایی دارای اختیارات وسیع که دستی باز بر صرف بودجه مملکت دارند و سایر نکات مندرج در کتب مدیریت که صرفاً در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، از ملزومات رفع مشکلات عدیده بر جای مانده در این حوزه است.

تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بدون پیوست اجتماعی

عامل مهم دیگر در این زمینه، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری یا صدور احکام مختلف در سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف دولتی و حکومتی بدون توجه یا محاسبه عواقب و پیامدهای اجتماعی آن‌هاست. دلیل این امر آن است که غالباً ارتباط و به هم پیوستگی حوزه‌ها و ابعاد مختلف زندگی جامعه اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و مانند آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. این در حالی است که این ابعاد همچون ظروف مرتبطه به هم متصل هستند و سیاست‌گذاری یا تصمیم‌گیری در خصوص یکی از آن‌ها بر دیگران تأثیر می‌گذارد و این عاملی است که غالباً در نظر گرفته نمی‌شود. برای مثال، سیاست خارجی یا سیاست‌گذاری خارجی از حوزه‌هایی است که تأثیر مستقیمی بر زندگی اجتماعی و مناسبات جامعه از جمله حدود و ثغور آسیب‌های اجتماعی دارد. سیاست خارجی پرهزینه و ماجراجو غالباً موجب هزینه‌های هنگفت اقتصادی و اجتماعی، به ویژه برای کشورهای میانی می‌شود که بیش از دیگران با کمیابی منابع دست و پنجه نرم می‌کنند. سیاست نظامی و امنیتی کشورها نیز غالباً تابع همین معادله است و قواعد مشابهی بر آن‌ها حاکم است. مطابق تجارب موجود، امنیتی‌شدن فضای سیاسی و اجتماعی، سبب تشدید آسیب‌های اجتماعی می‌شود و بالعکس. همچنین، سیاست قضایی و نحوه صدور احکام قضایی نیز ارتباط وثیقی با زندگی اجتماعی دارد. نمی‌توان برای کارگرانی که به اخراج خود اعتراض می‌کنند (حتی اگر اعتراض آن‌ها غیرقانونی باشد)، حکم شلاق صادر و آن را اجرا کرد و انتظار داشت که خانواده‌های آن‌ها در معرض سقوط به ورطه آسیب‌های اجتماعی قرار نگیرند. سیاست‌های اداری و استخدامی نیز تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری امید یا ناامیدی اجتماعی و به تبع آن، آسیب‌های اجتماعی دارند. نمی‌توان در جامعه‌ای که در آن حداقل ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند، مدیرانی با

حقوق و پاداش چندصد میلیونی داشت و به گونه‌ای مؤثر با آسیب‌های اجتماعی مبارزه کرد. در نهایت، سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه‌های اشتغال، مسکن، ازدواج، درمان و مانند آن‌ها نسبت مستقیمی با تشدید یا تخفیف آسیب‌های اجتماعی دارد و نیازمند پیامدسنجی در این حوزه است. برای مثال، نمی‌توان به مسکن‌سازی انبوه و بی‌رویه در حاشیه شهرها اقدام کرد و انتظار داشت که حاشیه‌نشینی در کشور رشد نیابد. همچنان که مهم‌ترین طرح حکومت برای کمک به طبقات کم‌درآمد، یعنی هدف‌مندی یارانه‌ها در نهایت به پخش پول بین همه شهروندان و فقر بیشتر فقرا و تورم بالای ۴۰ درصدی انجامید.

ضعف ساختاری در نظام سیاست‌گذاری

دیگر عامل غفلت و عقب‌ماندگی در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی، ضعف ساختاری و سازمانی در نظام سیاست‌گذاری کشور است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد به لحاظ ساختاری، شناخت، رصد و مقابله با مجموعه آسیب‌های اجتماعی، مسئولیت نخست هیچ یک از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی در سطح عالی نیست. این وضعیت سبب شده که آسیب‌های اجتماعی مسئله اصلی نهادهای رسمی و نیمه‌رسمی کشور همچون شهرداری‌ها، جناح‌های سیاسی، روحانیت و مانند آن‌ها نباشد و برای مثال، هیچ یک از جناح‌های سیاسی در انتخابات، برنامه‌ای برای مقابله با این وضعیت نداشته باشند. به همین دلیل است که وزیر کشور در گزارش خود به مجلس اعلام نمود:



کردند و در حوزه مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد فرمودند سالانه ۵ درصد باید موفقیت حاصل شود و در اولویت بندی، اعتیاد و مواد مخدر در جایگاه نخست، حاشیه نشینی در جایگاه دوم و پس از آن طلاق، بزه کاری ها، مناطق خاص و بحرانی، اولویت های بعدی را شامل می شوند».

توسعه نامتوازن منطقه ای

در نهایت، مرکز گرایی و به تبع آن، توسعه نامتوازن منطقه ای، از جمله عوامل عقب ماندگی در زمینه مواجهه با آسیب های اجتماعی در کشور است. تمرکز گرایی در اداره کشور موجب رشد حاشیه نشینی و به تبع آن دیگر آسیب های اجتماعی می شود. تمرکز گرایی در اداره کشور، سیاست توسعه را نیز تحت الشعاع قرار می دهد و رشد نامتوازن را به ارمغان می آورد که نتیجه بلافصل آن توزیع نابرابر ارزش ها و مواهب است. این نابرابری نیز به تشدید و تراکم آسیب های اجتماعی در مناطق حاشیه ای و قومی کشور می انجامد. در واقع، نبود مدیریت درست و نداشتن توازن منطقه ای، این نابسامانی ها را به ارمغان می آورد. در همین چارچوب، وزیر کشور نیز در گزارش خود به مجلس در باب علل آسیب های اجتماعی در ایران گفت: «از جمله بسترهای موجود به خودی خود موجب تقسیم بندی های حوزه ای شده و در صورت عدم مدیریت درست به انشقاق اجتماعی تبدیل خواهد شد». وی تأکید کرد: «قرار گرفتن اقوام، جمعیت ها و مذاهب در درون این حوزه ها امکان ایجاد چنین انشقاقی را فراهم می کند و این در حالی است که دشمنان ما نیز به دنبال ایجاد چنین انشقاقی هستند». وزیر کشور با یادآوری مفهوم نظام برنامه ریزی در کشور و در حوزه اجتماعی افزود: «مفهوم نظام برنامه ریزی در ایران از ۴۰ سال قبل اعلام شد که در حوزه موضوعات کلان متمرکز است و یکی از تبعات آن بحث عدم تعادل ها و توازن های منطقه ای است و آنچه امروز در سطح شهر مشاهده می شود، به جهت همین عدم تعادل و توازن است که در توزیع جمعیت، خدمات و منابع و همچنین فعالیت های زیرساختی مشاهده می شود». وزیر کشور در خصوص موضوع نظام بودجه ریزی در حوزه اجتماعی یاد آور شد: «نظام بودجه ریزی در کشور مبتنی بر فعالیت ها و جمعیت است که تخصیص و توزیع منابع بر اساس آن صورت گرفته که سیکل

«رهبر معظم انقلاب در جلسات تأکید داشتند که در خصوص آسیب های اجتماعی با تسهیل گری و تصمیم سازی و اجرای مناسب باید مسائل را به مرحله ای رساند که بتواند پاسخگوی عقب افتادگی ما باشد. بنابراین ایشان در سطوح تصمیم گیری، شورای انقلاب فرهنگی را از موضوعیت فرهنگی به فرهنگی - اجتماعی تبدیل کردند و با عضویت وزیر کشور و چندین مسئول دیگر و تشکیل کمیسیون اجتماعی در شورای انقلاب فرهنگی، بار این شورا را اجتماعی نیز کردند». وی یاد آور شد: «شورای اجتماعی وزارت کشور نیز طبق مصوبه شورای انقلاب فرهنگی ارتقاء سطح داده شد و رئیس آن نیز که وزیر کشور بود، با دستور ایشان، رئیس جمهور، مسئول و رئیس شورای اجتماعی شدند و وزیر کشور به عنوان جانشین رئیس جمهور موظف به اداره جلسات شد». وزیر کشور تصریح کرد: «مقام معظم رهبری برای اجرای دستگاه های مختلف و ایجاد هماهنگی، پیگیری، سیاست گذاری و نظارت و ارزیابی، معاونت فرهنگی - اجتماعی وزارت کشور را تبدیل به سازمان کردند و دستور دادند سازمانی چابک ایجاد شود که مسائل آسیب های اجتماعی را در حوزه اجرایی هماهنگ و نظارت کند». وی با بیان اینکه وزارت کشور مسئولیت تعقیب آسیب های اجتماعی را بر عهده دارد، گفت: «وزارت کشور متناسب با تأکیدات مقام معظم رهبری و رئیس جمهور و قوانین مجلس، در اجرا به دنبال جبران عقب افتادگی مطرح است». وی با اشاره به برنامه ششم توسعه کشور گفت: «مقام معظم رهبری در سیاست های کلان برنامه ششم توسعه محورهایی را مشخص

عمل کرده‌اند، چون مردم راه کارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی را وضع و از آنها حمایت می‌کنند.

حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی نیز به سیاست‌های اجتماعی مربوط است. در این مورد نیز وقتی حمایت از آسیب‌دیدگان به طور کامل در اختیار نهاد سیاست قرار می‌گیرد، این نهاد از منظر منافع خود به آنها می‌نگرد، اما وقتی مردم به حمایت از این آسیب‌دیدگان می‌پردازند، بسیار عمیق‌تر و کامل‌تر عمل می‌کنند. چون مردم در متن آسیب‌ها قرار دارند، آنها را بهتر می‌شناسند و برای حمایت از افرادی که دچار بحران هستند، انگیزه‌های قدرتمندتری پیدا می‌کنند. بنابراین، یکی از راه کارهای مؤثر حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی، تشکیل و تقویت سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی است. سازمان‌های غیردولتی با تأثیرگذاری در وضع و اجرای سیاست‌های اجتماعی، در نقش‌های مختلفی مثل مشاور دولت، منتقد دولت و گاه حتی به عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها فعالیت دارند. این سازمان‌ها با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، در هر جامعه‌ای که فعال‌تر و گسترده‌تر عمل کنند، آرمان کاهش آسیب‌های اجتماعی را دست‌یافتنی‌تر می‌نمایند.

بسته‌ای را ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که هر قدر جمعیت و فعالیت بیشتر باشد به تبع آن منابع نیز بیشتر خواهد بود. نظام اداری و ساختارهای اجتماعی نیز موضوعات دیگری است که نگاه اقتصاد سیاسی در دهه ۴۰ موجب ایجاد چنین مسائلی شد. این در حالی است که نظام بوروکراسی کشور کاملاً متمرکز و بدون واگذاری اختیارات به مناطق است، به گونه‌ای که این مناطق کوچکترین اختیاری برای تصمیم‌گیری ندارند».

نتیجه‌گیری

آسیب‌های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی است، در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیرات خود را می‌گذارند، اما آنچه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می‌سازد، نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده آسیب‌ها و راه کارهای اصلاح و بهبود آنهاست. در مورد نگرش، آنچه مهم است اینکه این آسیب‌ها چرا به وجود آمده‌اند؟ آیا وجود آسیب‌ها در جوامع امری لازم و ضروری است یا می‌توان جامعه‌ای بدون آسیب داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم شناخت تخصصی و آسیب‌شناسی علمی جامعه است. از سوی دیگر، سیاست‌های اجتماعی هر جامعه‌ای، روش‌های مختلفی را در برخورد با آسیب‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌کند. در مورد راه کارهای اصلاح و بهبود آسیب‌های اجتماعی هم نظرگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای روش انکار و پرده‌پوشی را تجویز می‌کنند و عده‌ای دیگر به روش‌های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می‌کنند با قبول وجود این آسیب‌ها، علت آنها را با استفاده از روش‌های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آنها از روش‌های منطقی سود ببرند. در این جوامع، انباشت علمی در حوزه مسائل اجتماعی صورت گرفته است

در جوامع امروز تمایل بر این است که این سیاست‌ها هر چه بیشتر توسط نهاد آموزش و پرورش و نهاد خانواده به جامعه تزریق شود و نهاد سیاست حداقل دخالت را در این امور داشته باشد، اما در جوامعی که در آنها نهاد سیاست قدرتمندتر است، این سیاست‌ها توسط این نهاد وضع و به جامعه دیکته می‌شود. تجربه نشان داده که جوامع نوع اول در مهار بحران‌های اجتماعی موفق‌تر